حضرت امام حسین(ع):

هر کس حق معبودیت خدا را به جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می‌کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

اخبار

«محمدرضا ریاضی» پژوهشگر هنر درگذشت

محمدرضا ریاضی پژوهشگر و استاد تاریخ هنر، شامگاه شنبه ۲۶ خرداد در ۷۴ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت.

این هنرمند در کارنامه کاری و فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی خود، ریاست کتابخانه موزه ملی ایران، عضویت در شورای پژوهشی موزه ملی ایران، نمایندگی سازمان میراث فرهنگی در کمیته حافظه جهانی یونسکو و تدریس تاریخ هنر ایران و جهان در دانشکده‌های هنر دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، الزهرا، شهید بهشتی، بنیاد ایرانشناسی، دانشگاه هنر، مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و دانشگاه هنر اصفهان را دارد.

تالیف و ترجمه بیش از ۷۰ کتاب و مقاله درباره هنر و تمدن ایران و جهان در کارنامه علمی و هنری مرحوم محمدرضا ریاضی است.

کنسرت جدید ارکستر سمفونیک تهران روی صحنه می‌رود

منوچهر صهبایی، رهبر ارکستر سمفونیک تهران که شامگاه چهارشنبه ۳۰ خرداد با این ارکستر، کنسرت «از دنیای نو» را در تالار وحدت روی صحنه می‌برد درباره انتخاب قطعات برای اجرا گفت: در بخش اول این کنسرت قطعه اورتور ایفیژنی در آلیس، اثر کریستف ویلیبالد گلوک نواخته می‌شود که اپرایی با فضای غم‌انگیز، تراژدیک و قهرمانی است. وی افزود: بعد از اجرای این برنامه، قطعه کنسرتو برای پیانو و ارکستر نمره ۵ در فامینور ساخته یوهان سباستین باخ را انتخاب کرده‌ام که همان فضای قبلی را تکرار می‌کند. در این قطعه هم سیاوش دمیریان به عنوان سولیست پیانو ما را همراهی می‌کند.

صهبایی درباره بخش دوم نیز توضیح داد: سمفونی شماره ۹ (از دنیای نو) اثر آنتونین دورژاک نیز که برای بخش دوم اجرا انتخاب شده است، اثری بسیار ارزنده و معروف است؛ می‌توانم بگویم از بهترین قطعاتی است که برای ارکستر سمفونیک‌ها نوشته شده است. بخش دوم این قطعه بسیار نوستالژیک است. به هر حال ما کنسرت جذابی را تدارک دیده‌ایم و امیدوارم مخاطبان بعد از اتمام این اجرا با انرژی خوب سالن را ترک کنند.

کنسرت ارکستر سمفونیک تهران به رهبری منوچهر صهبایی، با عنوان «از دنیای نو» شامگاه چهارشنبه ۳۰ خرداد، ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

«گربه روی شیروانی داغ» در خانه‌موزه انتظامی

نمایش «گربه روی شیروانی داغ» به کارگردانی مهدی اصغریان در سالن تئاتر خانه‌موزه انتظامی روی صحنه می‌رود. این نمایش اثر تنسی ویلیامز، فارغ از توجه کلیشه‌ای به نکوهش امیال افسارگسیخته نیازهای شهوانی و گاه حیوانی آدمی، با رویکردی روانشناسانه در برخورد با بحران‌های لاینحل بشر هزاره سوم ناشی از اشاعه دروغ و دو رویی، انسان را به سمت صداقت و راستی رهنمون می‌کند که گویی پاسخ به بزرگ‌ترین پرسش بشر مبنی بر زیستنی شرافتمندانه را در راستگویی و صداقت جست‌وجو می‌کند.

مهدی اصغریان، هلیا جولایی‌مقدم، مریم حبیبی، رامین عبداللهی، میثم حیدری، آتنا شفیعی، علی فرجی، الهام شیخلو، دیانا محافظت‌کار ابدی، علی محمدی، محمدحسین شفیعی، سامیار سرادقی، کیاشا برزگر، ماهان محمودی‌مقدم، آدرینا سرادقی، آوا شهبازی، فاطمه غلامعلی‌پور، حمید بهمنی و حسین اکبری بازیگران این نمایش هستند.

نمایش « گربه روی شیروانی داغ » کاری از مهدی اصغریان از ۳۱ خرداد تا ۱۵ تیر، ساعت ۲۱ به مدت ۷۰ دقیقه در سالن تئاتر خانه‌موزه انتظامی روی صحنه می‌رود.

پخش «پشت پرده» به نیمه رسید

سریال «پشت پرده» به کارگردانی محمدرضا حاجی‌غلامی و تهیه‌کنندگی مصطفی رضوانی این شب‌ها از شبکه ۲ سیما به روی آنتن می‌رود. این سریال نمایشی، داستان ۲ خانواده تهرانی و یزدی است که در مواجهه با هم دچار مشکلات و چالش‌هایی می‌شوند و در ادامه به مساله فرزندآوری عروس خانواده تهرانی می‌پردازد.

«پشت پرده» با معرفی بازیگران یزدی در کنار بازیگرانی چون میرطاهر مظلومی، رضا شفیعی‌جم، آزیتا ترکاشوند، حدیثه تهرانی، جواد خواجوی، حسین سلیمانی و مریم کاویانی به معرفی شهر یزد به عنوان قطب درمان ناباروری پرداخته است، همچنین از این رهگذر آداب و رسوم و فرهنگ مردم یزد را نیز به تصویر می‌کشد. این سریال را که چهاردهمین قسمت از آن امشب روی آنتن می‌رود، فهیمه سلیمانی و سمیه عبدالمجید به نگارش در آورده‌اند.

محمدرضا بحری، فاطمه زارع، مهدی دهقان، هدی دهقان، سعید خبیری، محدثه بقایی و زهرا گماری از بازیگران بخش یزد هستند.

«پشت پرده» از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه ۲ سیما پخش می‌شود.

برگزاری سلسله نشست‌های آسیب‌شناسی نمایشگاه کتاب

سلسله‌نشست‌های آسیب‌شناسی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با محوریت دوره سی‌وپنجم از امروز سه‌شنبه ۲۹ خرداد در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا آغاز می‌شود.

در این نشست‌ها که با محوریت دوره سی‌وپنجم در قالب شانزدهمین جلسه از سلسله نشست‌های «عصر کتاب» روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد توسط مرکز مطالعات راهبردی ژرفا و اندیشکده هنر و رسانه (میز کتاب) برگزار می‌شود، سعید مکرمی، مدیر انتشارات و فروشگاه اسم و سمیه جمالی نویسنده، فعال حوزه نشر و کارشناس روابط عمومی سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور دارند و پیرامون بررسی آسیب‌ها و چالش‌های نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نظراتی را ارائه خواهند داد. این برنامه از ساعت ۱۵ تا ۱۶ در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا برگزار خواهد شد و ورود برای عموم آزاد است.

مروری بر تولیدات سینمای ایران درباره جنایات گروهک منافقین در سالروز عملیات چلچراغ

جنایات و مکافات

گروه فرهنگ و هنر: چند روز پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و آتش‌بس بین جمهوری اسلامی ایران و عراق و حتی چند روز بعد، منافقین با حمایت صدام، طی چند مرحله به کشورمان حمله کردند. در یکی از این عملیات‌ها که «چلچراغ» نام گرفت، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با حمایت ارتش عراق با هدف تصرف شهر مرزی مهران، به منظور کنترل میدان‌های نفتی آن همچنین روستاهای کردنشین منطقه، حمله همه‌جانبه‌ای را آغاز کرد. رژیم بعث عراق این عملیات را «انتقام قهرمانان» به جهت انتقام شکست در فاو و سایر نقاط عملیاتی کشورمان نامید و تا حدود زیادی به پیروزی منافقین مطمئن بود.

ساعت ۸:۳۰ بیست‌ونهم خرداد ۱۳۶۷ شهر مهران برای سومین‌بار اشغال شد. منافقین سپس نیروهای خود را در منطقه گسترش دادند و از تنگه کنجان‌چم تا حوالی شهرک ملکشاهی و از سه‌راهی صاحب‌الزمان(عج) تا شیار آب‌زیادی را تصرف کردند. منافقین در اشغال سوم مهران، حدود ۲۵۰ نفر از مردم عادی، روستاییان، عشایر و رزمندگان اسلام را شهید یا اسیر کردند. طی روزهای اشغال، منافقین تعدادی از اسیران را سر بریدند و بقیه را به اردوگاه‌های منافقین در عراق منتقل کردند. سرانجام نیروهای مردمی عشایر، بسیج و لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین(ع) در منطقه حاضر شدند و نیروهای منافقین را در تنگه کنجان‌چم و سه‌راهی مهران – دهلران - ترشابه متوقف کردند. در ادامه با اضافه شدن شمار قوای خودی، در روز اول تیر ۶۷، متجاوزان شکست خوردند و تا پشت مرزهای بین‌المللی عقب رانده شدند.

در ادامه همزمان با سالروز جنایت و خیانت این گروهک نگاهی به شاخص‌ترین آثار سینمایی که با محوریت ماهیت و عملکرد گروهک تروریست منافقین ساخته شده است انداخته‌ایم.

«توهم» را شاید یکی از نخستین آثار پیرامون منافقین باید نامید؛ فیلمی به کارگردانی سعید حاجی‌میری در سال ۱۳۶۴ با بازی جلیل فرجاد و ابراهیم حاتمی‌کیا.

عنوان این فیلم بخوبی وضعیت ذهنی و رفتاری سرکردگان منافقین را توصیف می‌کند؛ توهمی که از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دامنگیر سران این گروهک شده و در بزنگاه‌هایی همچون عملیات مرصاد شکستی مفتضحانه را برای آنان به دنبال داشته است.

فیلم داستان ۲ نفر از منافقین را روایت می‌کند که در یک خانه تیمی مخفی شده و پناه گرفته‌اند اما اختلافات عمیقی با هم دارند. در این بین عنصر توهم و این احساس که مردم خارج از این خانه آنها را زیر نظر دارند و به دنبال کشتن آنها هستند، بن‌مایه اصلی فیلم است که در پرتو آن توخالی بودن آموزه‌های این گروهک و اعضای آن آشکار می‌شود. «توهم» موفق شد این شکاف همیشگی بین اعضای سازمان و بی‌اعتقادی و شکست آنها را به تصویر بکشد. عنوان‌بندی این فیلم یکی از بهترین نمونه‌های سینمای ایران در آن سال‌هاست. نمایش امواج آب و درج عنوان فیلم به شکل مواج و شکننده بخوبی بیانگر اوهام و خیالات بی‌پشتوانه سرکردگان این گروهک است؛ وضعیتی که گاه جنبه کمدی هم پیدا می‌کند و این خود یک از جنبه‌های جذاب این فیلم سینمایی است.

«دست‌نوشته‌ها» را باید دیگر فیلم پیرامون منافقین دانست. فیلم به کارگردانی مرحوم مهرزاد مینویی در سال ۶۵ با بازی جلیل فرجاد، علیرضا شجاع‌نوری، شاپور بخشایی، منوره جوهری و امیر وطن‌زاد ساخته شد.

زنده‌یاد مهرزاد مینویی، تدوینگر کاربلد سینمای ایران در سال ۱۳۶۵ بر پایه فیلمنامه‌ای از بهروز افخمی، فیلم «دست‌نوشته‌ها» را کارگردانی کرد. ترکیب فیلمنامه شسته و رفته و دارای گره افخمی با نگاه سینمایی و حرفه‌ای مینویی، اثری جذاب را روی پرده برد که با استقبال مخاطبان نیز مواجه شد.

داستان فیلم درباره «حسین معتمد» (جلیل فرجاد) است که به دلیل نقض مقررات از کمیته اخراج و راننده تاکسی می‌شود. یک روز که او به خانه باز می‌گردد، جوانی سراغش آمده و به او می‌گوید چند نفر قصد دارند او را ترور کنند. فرجاد که از بازیگران پرکار سینما در نیمه اول دهه ۶۰ بود، در این فیلم نیز همچون فیلم «توهم» نقش یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق را ایفا می‌کند با این تفاوت که در «دست‌نوشته‌ها»، شخصیت معتمد کاملا از سازمان بریده و به مهره سوخته تبدیل شده است.

این فیلم در پنجمین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بهترین تدوین را از آن خود کرد که نقش پررنگ مهرزاد مینویی به عنوان تدوینگری شاخص را گوشزد می‌کند.

«پرواز پنجم ژوئن» را باید یکی از متفاوت‌ترین آثار دهه ۶۰ دانست؛ فیلمی در سال ۶۸ به کارگردانی علیرضا سمیع‌آذر که بعدها دست از فیلمسازی کشید و به سمت فعالیت‌های تجسمی رفت. در این فیلم مجید جعفری، سیدناصر آقایی، تانیا جوهری، آتیلا پسیانی، منوچهر حامدی، ابراهیم‌آبادی و فخرالدین صدیق‌شریف به ایفای نقش پرداختند. داستان فیلم درباره ۴ هواپیماربایست که روز پنجم ژوئن یک هواپیمای ایرانی را می‌ربایند. یک افسر امنیتی، هواپیمارباها را خلع سلاح می‌کند و هواپیما را به همان مقصدی که هواپیماربایان می‌بردند، هدایت می‌کند. طراحان اصلی توطئه، با برگزاری مصاحبه‌ای مطبوعاتی وانمود می‌کنند همه مسافران قصد پناهندگی دارند ولی افسر امنیتی اعلام می‌کند هواپیما را با این هدف به آنجا آورده است تا معلوم شود مسافران علاقه‌ای به پناهندگی سیاسی ندارند. در ادامه، اتفاقاتی برای یکی از ماموران و فرمانده عملیات هواپیماربایی می‌افتد.

در این اثر که با ریتم مناسب و داستان مهیج خود توانست مخاطبان را نیز همراه خود کند، هواپیماربایان دیالوگ‌هایی را رد و بدل می‌کنند که بیش از هر چیز منش و روش فعالیت‌های تروریستی منافقین را به ذهن مخاطبان متبادر می‌کند. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰، هواپیماربایی یکی از شیوه‌های ایذایی و تروریستی مرسوم در بین منافقین بود.

«پادزهر» نخستین فیلم با این موضوع در ابتدای دهه ۷۰ است؛ فیلمی به کارگردانی شهرام کاظمی با بازی محمد صالح‌علا، نرسی گرگیا، جمشید هاشم‌پور، اسماعیل داورفر و سیدمحسن زهتاب.

شهرام کاظمی، دستیار داریوش مهرجویی در فیلم «مدرسه‌ای که می‌رفتیم»، در ۱۳۷۲ فیلم «پادزهر» را ساخت که به خیانت برخی افراد مزدور و ارتباط آنها با بعثی‌ها می‌پرداخت. البته فیلم به صراحت از همکاری منافقین و رژیم بعث صحبت نمی‌کرد اما نشانه‌هایی که در آن گنجانده شده بود این موضوع را به تماشاگر منتقل می‌کرد.

داستان فیلم هم درباره دزدی است که حین دزدی، اطلاعاتی از یک خرابکاری به دست می‌آورد. وی سریعا اطلاعات خود را به نیروهای امنیتی می‌دهد اما ماموران او را بازداشت می‌کنند. افسر ویژه، متوجه بی‌گناهی او می‌شود و درمی‌یابد رهبر خرابکاران یک سرهنگ بازنشسته عراقی است.

«روز شیطان» را باید نخستین تلاش‌های بهروز افخمی با موضوع منافقین در سینما دانست. این فیلم سال ۷۳ با بازی آتیلا پسیانی، علی دهکردی، عبدالرضا اکبری، محمد فیلی، حمید طاعتی و منوچهر حامدی اکران شد که آن را باید جزو آثار پرمخاطب در سال اکرانش دانست، آن هم در حالی که افخمی یک سال پس از فیلم «روز فرشته» که نگاهی فانتزی و مفرح به روابط انسانی و خانوادگی آدم‌ها داشت، این بار «روز شیطان» را با موضوعی امنیتی روی پرده برد. در این اثر هم به صورت مستقیم اشاره‌ای به منافقین نمی‌شود اما روند اتفاقات و مسائلی که شخصیت‌های آن مطرح می‌کنند، معرف جنایت‌های منافقین در سال‌های دور و نزدیک است که با سنگ‌اندازی آنان در مسیر پیشرفت‌های علمی کشور همراه می‌شود. پس از یک دهه رکود، با «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی‌کیا شاهد از سرگیری چنین تولیداتی هستیم. «به رنگ ارغوان» سیزدهمین فیلم حاتمی‌کیا در ۱۳۸۳ ساخته شد اما برای اکران ۵ سال در لیست انتظار ماند؛ فیلمی که قرار بود همان سال در بیست‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش دربیاید اما به دستور وزیر وقت اطلاعات از نمایش آن جلوگیری شد. در نهایت بهمن ۱۳۸۸ در بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد و با دریافت ۵ سیمرغ بلورین از جمله سیمرغ بهترین فیلم جشنواره بلافاصله پس از جشنواره نیز اکران شد.

«شفق» و همقطارانش در «به رنگ ارغوان» به صراحت به عنوان عضو سازمان مجاهدین معرفی نمی‌شوند اما نشانه‌های فرمی و محتوایی فیلم به عضویت آنها در این سازمان تروریستی صحه می‌گذارد، ضمن اینکه مشکلاتی که اعضای گروهک منافقین برای خانواده‌های خود پیش می‌آورند، محور این فیلم قرار گرفته بود.

«ماجرای نیمروز» و «رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، «نفوذی» به کارگردانی احمد کاوری و مهدی فیوضی، «سیانور» به کارگردانی بهروز شعیبی، «امکان مینا»، «ضد» و «سرهنگ ثریا» از دیگر آثاری هستند که طی سالیان اخیر درباره منافقین ساخته شده‌اند.

آنچه مشخص است اینکه تولیدات این گونه انحصاری در سینمای ایران، طی سالیان اخیر رشد فزاینده‌ای داشته و امید می‌رود همان‌طور که در ابتدا نیز بدان اشاره شد، با توجه به پیچیدگی‌های این گروهک، همچنان شاهد تولیدات جدیدی از سایر زوایای جنایات گروهک منافقین باشیم.

برگزاری بزرگداشت عباس کیارستمی در موزه سینما

کیارستمی و دیگر هیچ

گروه فرهنگ و هنر: زندگی شخصی و کارنامه حرفه‌ای عباس کیارستمی را همان‌طور که نمی‌توان در چند جمله کوتاه خلاصه کرد، قطعا در یک برنامه و چند بزرگداشت نیز نمی‌توان تکریم و تبیین کرد؛ هنرمندی که در دانشکده هنرهای زیبا گرافیک خواند، برای تلویزیون آگهی ساخت، برای کتاب‌ها نقاشی کشید، با استخدام در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» مهم‌ترین کارش، فیلمسازی را شروع کرد، شعر می‌گفت، عکاسی می‌کرد، می‌نوشت، نجاری می‌کرد و انجام همه این کارها در کنار هم برای او معمولی به نظر می‌رسید، چون هر کدام رنگ و جلوه‌ای بودند از «زندگی». زندگیِ او اما هیچ‌وقت معمولی نبود. همیشه کار می‌کرد و کارهایش او را به یکی از معروف‌ترین ایرانی‌های دنیا تبدیل کرد. گدار و کوروساوا بارها او را ستایش کردند، از اسکورسیزی جایزه می‌گرفت، به برتولوچی جایزه می‌داد، تنها نخل طلای «کن» را به ایران آورد و هنوز اسم فیلم‌هایش آن بالاهای فهرست محبوب‌ترین فیلم‌های منتقدان و فیلمسازان و مخاطبان در تاریخ سینماست.

او را باید جزو تیرماهی‌های سینمای ایران نامید، دقیقا یکم تیر ۱۳۱۹ در میگون از شهرستان‌های توابع تهران به دنیا آمد و در ۷۶ سالگی در سال ۹۵ با اشتباه پزشکی از دنیا رفت.

اما امسال با گذشت ۸ سال از درگذشت این فیلمساز شاخص و شهیر ایرانی، موزه سینما همزمان با سالروز تولدش مراسم بزرگداشتی را برای او بر پا خواهد کرد؛ بزرگداشتی که با حضور دوستان و همکارانش از جمله سیف‌الله صمدیان با همراهی شهراد بانکی و مژگان اصغری قرار است نیم‌نگاهی به فیلم‌ها و کارنامه او داشته باشد. البته که صمدیان در این برنامه پیرامون مستندی که پیش‌تر و با نام «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» ساخته شده نیز سخن خواهد گفت، مستندی که هدف اصلی آن بنا به گفته صمدیان، نمایش ۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه از زندگی و کار عباس کیارستمی است به احترام و به یادگار ۷۶ سال و ۱۵ روز از سفر خلاقانه مردی که در دهه ۷۰ زندگی‌اش حتی گویی جهان را از چشم کودکی ۷ ساله می‌دید؛ پر از تازگی و شگفتی بی‌آنکه به «روزمرگی در نگاه» دچار شود.

نان و کوچه، مسافر، گزارش، همسرایان، خانه دوست کجاست، مشق شب، کلوزآپ، زندگی و دیگر هیچ، زیر درختان زیتون، طعم گیلاس، باد ما را خواهد برد، کپی برابر اصل و مثل یک عاشق از جمله آثاری است که زنده‌یاد کیارستمی در کارنامه هنری خود داشت. اما بدون تردید از جمله ویژگی‌های شاخص آثار این هنرمند طبیعتی است که همواره در آثارش به نقطه عطف یا قوت بدل شده بود؛ دشت‌های وسیع و جاده‌ها و درخت‌هایی که با آنها خانه دوست کجاست، زیر درختان زیتون، طعم گیلاس و... را به یاد می‌آوریم. خودش می‌گفت علاقه‌اش به طبیعت ریشه در کودکی‌هایش دارد: «شاید [دلیل] علاقه من به طبیعت، فرار از مسائل خانوادگی بوده. خیلی‌ها از من می‌پرسند چطور به عکاسی علاقه‌مند شدی؟ ولی من اصلا به عکاسی علاقه‌مند نبودم. وقتی به این موضوع فکر کردم دیدم علتش آن است که می‌خواهم فرار کنم. بعضی وقت‌ها اینقدر حالم بد است که نمی‌خواهم به خانه بروم. حتی به خانه یک دوست. چون نمی‌خواهم حرف بزنم. آن‌وقت است که به بیابان می‌روم و آنجا با پدیده‌هایی آشنا می‌شوم که اصلا در زندگی من نبوده. شاید این به کودکی‌ام بازگردد و زمین‌های نساخته اطراف منزل‌مان. نمی‌دانم اما وقتی آنجا هستم آنقدر لحظات زیبا و ویژه‌ای می‌بینم که حیفم می‌آید تنها باشم».

اما در کنار استفاده درست و صحیح از طبیعت، شاید استفاده از نابازیگران بویژه کودکان را باید دیگر ویژگی شاخص او دانست. بازیگران کودک بخش بزرگی از کارنامه فیلمسازی کیارستمی هستند؛ از فیلم‌های کوتاهش در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» تا فیلم‌های بلندی مانند «خانه دوست کجاست». خودش می‌گفت این موضوع تا حد زیادی ریشه در دوره کودکی‌اش دارد: «اگر با کودکان موضوعاتم را بیان نمی‌کردم هرگز به این سبک نمی‌رسیدم. کودکان شخصیت‌های بسیار قوی و مستقلی دارند و می‌توانند از پس کارهای جالبی برآیند که از مارلون براندو برنمی‌آید، گاهی واقعا کارگردانی و درخواست از آنها به انجام کاری، بس دشوار است. وقتی آکیرا کوروساوا را در ژاپن دیدم، پرسشی که او از من داشت این بود: «اساسا چگونه این بازی‌ها را از کودکان می‌گیری؟ من در فیلم‌هایم از کودکان استفاده کرده‌ام اما متوجه شدم حضورشان را آنقدر کاهش داده و کاهش داده‌ام تا از شرشان راحت شوم چون روشی برای کارگردانی آنها ندارم». نظر شخصی من این است که این تجربه بسیار بزرگ است، شبیه امپراتوری سوار بر اسب و این برای یک کودک بسیار سخت است که با آن ارتباط برقرار کند. برای اینکه بتوانید با کودکان همکاری کنید ناگزیرید از سطح خودشان هم پایین‌تر بیایید تا بتوانید با آنها ارتباط برقرار کنید. بازیگران هم شبیه کودکانند».

برگزاری نخستین کنسرت عرفان طهماسبی، استعداد برتر برنامه عصر جدید

از قاب عصر جدید تا بزرگ‌ترین استیج شهر

گروه فرهنگ و هنر: سال ۹۹ در روزهایی که کرونا همه را به نوعی خانه‌نشین کرده بود، بخش اعظمی از دلخوشی مردم برنامه‌هایی بود که از تلویزیون پخش می‌شد، آن هم زمانی که تنها بخشی از برنامه‌سازها حاضر به ضبط و پخش شده و بسیاری دیگر به نوعی فرار را بر قرار ترجیح داده بودند. در این بین اما به جرأت می‌توان گفت عصر جدید جزو معدود برنامه‌های پرمخاطبی بود که بدون حضور مخاطبان و تماشاگران داخل سالن - که بخش اعظم هیجان برنامه را ایجاد می‌کردند - با رعایت ضوابط و قوانین ستاد ملی کرونا در سالنی خلوت و تنها با داوران و تعداد اندکی از عوامل برای مردم تولید و ضبط شد تا حداقل در آن روزها خانواده‌ها را ولو برای لحظاتی از نگرانی و جو حاکم بر شرایط ویژه‌ای که جهان با آن روبه‌رو شده بود دور نگه دارد. برنامه عصر جدید در آن سال در کنار جوان‌ها و نوجوانان شرکت‌کننده اما یک استعداد ویژه داشت و آن خواننده ۲۲ ساله بوشهری بود که تا فینال خود را رساند؛ مرحله‌ای که باید در یک سالن خلوت و بدون تماشاگر مهارت خوانندگی خود را ارائه می‌کرد. عرفان طهماسبی جوان ۲۲ ساله در مرحله ماقبل فینال و فینال چنان اجرای گرم و دلنشینی داشت که نه‌تنها داوران، بلکه بسیاری از مخاطبان برنامه تلویزیونی آن شب فراموش کردند در سالن هیچ‌کس نیست و همه نگاه‌ها به این جوان خیره شد.

امروز با گذشت ۴ سال از معرفی این جوان بوشهری خبر برگزاری کنسرت او آن هم در یکی از بزرگ‌ترین سالن‌های پایتخت حتی خوشبین‌ترین مخاطبان موسیقی را هم متعجب کرد؛ آیا این جوان که برای نخستین بار قرار است روی استیج برود، می‌تواند سالن به این بزرگی را پر کند؟

زمانی طول نکشید تا پاسخ این سوال روشن شود؛ دقیقا ۱۲۰ دقیقه از زمان بازگشایی سایت فروش نگذشته بود که تمام ظرفیت کنسرت تکمیل شد و یک رکورد عجیب آن هم برای جوان بوشهری در نخستین تجربه کنسرتش رقم خورد.

اگرچه انتظار می‌رفت عرفان طهماسبی در نخستین کنسرت خود کمی دچار استرس شود و نتواند سالن را در اختیار بگیرد اما اجرای سر وقت و بدون تاخیر، شروع فکر شده که با یک ویدئو از کودکی او همراه شده بود و همچنین صمیمیتش با حاضران در رفت و برگشت‌های کلامی، توانست تجربه خوبی را در نخستین اجرا، برای طهماسبی بسازد.

او در ابتدا قطعه «گلم گلم» را به تنهایی و با همراهی حاضران اجرا کرد و سپس گروهش روی سن آمدند. قطعه دوم «گل مهتاب» بود و برای قطعه سوم «کجایی» را انتخاب کرده بود که با استقبال زیادی مواجه شد. در قطعه سوم، هوشنگ محمدی دقایقی ساز نی‌انبان نواخت که بارها با تشویق حاضران روبه‌رو شد. بلافاصله در میان تشویق‌ها، قطعه «تجلا» که برای سریالی به همین نام آماده شده بود اجرا شد.

در طول اجرای نخستین کنسرت عرفان طهماسبی، ده‌ها بار حاضران با تشویق از او درخواست کردند قطعه «گلوبند» را اجرا کند و او هربار با خنده، قطعه دیگر را شروع کرد تا زمان اجرای آن فرا برسد. او در این میان، قطعات «در سکوت شب»، «چه کنم» و «آغاز کن بی من» را اجرا کرد.

در ادامه و حدود یک ساعت پس از آغاز کنسرت، محمدرضا بداغی تکنوازی زیبایی از کمانچه را اجرا کرد که با تشویق‌های متعدد همراه بود و بلافاصله طهماسبی، قطعه «پرسه» را اجرا کرد که آغاز آن را مخاطبان شروع کردند؛ «به شب گفتم نگارم کو چرا با من سر یاری ندارد». او سپس نخستین آهنگی را که ساخته بود اجرا کرد و در توضیحش گفت این نخستین آهنگی بود که ساختم.

«ماه مو» یکی از آن قطعاتی بود که با پخش در برنامه عصر جدید، نام این خواننده را در فضای مجازی سر زبان‌ها انداخت.

پرشورترین قطعه نخستین کنسرت طهماسبی در شب عید قربان، اجرای قطعه «گلوبند» بود که برای دقایقی، سالن را روی هوا برد و بلافاصله پس از پایان آن، حاضران بارها از او تکرار این اجرا را درخواست کردند که او نیز آن را بی‌پاسخ نگذاشت و در آخر کنسرت، آن را مجددا اجرا کرد.

حاضران پس از پایان کنسرت نیز این قطعه را رها نکردند و در راهروهای سالن، آن را همخوانی می‌کردند. قطعه «تردید» نیز که در فینال عصر جدید موجب برنده شدن این خواننده در این برنامه شده بود با همراهی حاضران روبه‌رو شد. در ادامه، در آغاز اجرای قطعه «دل از من، دلبری از تو»، علی شعبانی تکنوازی با پیانو داشت که سالن را در سکوت فرو برد.

پس از آنکه اجرای این قطعه به پایان رسید، طهماسبی با همراهی پیانیست خود، بخش‌هایی از این آهنگ را با مخاطبان همخوانی کرد؛ اجرایی که به نظر می‌رسید برای وایرال در فضای مجازی انجام شد. «مترسک» و «وای اگر» دیگر قطعاتی بود که طهماسبی آنها را اجرا کرد.

شاید بتوان تنها نکته قابل اصلاح نخستین کنسرت طهماسبی را صدای بلند سالن دانست که در بخش‌هایی، تک‌نوازی‌ها را تحت‌الشعاع قرار داد. همچنین در زمانی که طهماسبی اوج گرفته بود تا قدرت صدای خود را به نمایش بگذارد، صدای بسیار زیاد موسیقی، صدای خواننده را کاملا تحت‌الشعاع قرار داده بود و تلاش او کمتر شنیده می‌شد.